

بررسی آداب معاشرت اسلامی در پرتو آیه یازدهم سوره الحجرات

شاه محمد محمودی

نامزد پوهنیار، ثقافت اسلامی، شرعیات، پوهنتون غور، فیروزکوه افغانستان. (نویسنده مسئول).

ایمیل: shahmhmdmhmwmhdy4@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۳ - تاریخ نشر: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸

چکیده

دین مقدس اسلام یک دین کامل و همه شمول است. در این دین تمام موضوعات مورد نیاز بشر از مجرای وحی جلی و خفی برای شان بیان گردیده است. با توجه به این که قرآن کریم مصدر اساسی این دین و برنامه جامع زندگی انسان‌ها است؛ بنا برین افزون بر سایر مطالب یکی از موضوعات محوری مورد بحث در آن آداب معاشرت است. آداب معاشرت و چگونه زیستن با دیگران به اندازه مهم است که، پیامبر ﷺ فلسفه بعثت خود را به تکمیل کردن ارزش های معاشرتی در زندگی خلاصه نموده است. هدف این تحقیق تبیین رهنمودهای معاشرت در پرتو آیه یازدهم سوره الحجرات است. روش تحقیق از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت توصیفی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که رذایل معاشرتی؛ چون: تمسخر، عیب جوئی و نام بردن به لقب های زشت، از نظر دین مقدس اسلام از جمله اعمال ناروا محسوب شده سبب ایجاد نفرت، تفرقه و عداوت در بین مسلمانان می‌گردد.

کلمات کلیدی: آداب، تمسخر، لمز، معاشرت، نیز

استناد: محمودی، شاه محمد. (۱۴۰۴). آداب معاشرت در پرتو آیه یازدهم سوره حجرات. مجله علمی-تحقیقی

پوهنتون غور، ۲(۲)، ۶۵-۸۰.

Etiquette of Social Conduct in the Light of Verse Eleven of Surah Al-Hujur at

Shah Mohammad Mahmoodi

Junior Teaching Assistant, Islamic Culture and Sharia Studies, Ghor University,
Firozkoh, Afghanistan (Corresponding author). Email:
shahmhmmdmhmwmhdy4@gmail.com

Received: 3/2/2026 | Accepted: 12/2/2026 | Published: 19/3/2026

Abstract

Islam is a complete and comprehensive religion that provides guidance for all aspects of human life. Through divine revelation, it has addressed every issue essential to human well-being. As the primary source of Islamic teachings and a comprehensive guide to human life, the Holy Qur'an presents principles and guidelines for various dimensions of individual and social life. Among its major themes is social etiquette, which plays a fundamental role in fostering healthy interpersonal relationships. The significance of proper social conduct is also reflected in the Prophet Muhammad's (PBUH) statement that the purpose of his mission was to perfect noble moral character. This study aims to examine the guidelines for social etiquette in the light of Verse 11 of *Surat ul-Hujurat*. In terms of purpose, the study is applied research and in terms of methodology, it is descriptive. The data for this study were collected through library-based sources. The findings revealed that negative social behaviors, including ridicule, fault-finding (*lamz*), and calling others by offensive nicknames (*nabz*), are regarded in Islam as reprehensible acts that undermine social cohesion and give rise to hatred, division, and hostility among Muslims.

Keywords: Social etiquette; ridicule; *Lamz* (fault-finding); *Nabz* (offensive nicknaming); *Surat ul-Hujurat*; Qur'anic teachings

Cite this article: Mahmoodi, Sh. M. (2026). Etiquette of social conduct in the light of verse Eleven of Surah Al-Hujurat. *Scientific Research Journal of Ghor University*, 2(2), 65-80.

مقدمه

الحمد لله و الصلوة والسلام علی رسول الله و علی آله و اصحابه و من و آله.

دین مقدس اسلام یک دین جامع و همه شمول بوده تمام موضوعات مورد نیاز بشریت را به گونه کامل و واضح بیان کرده است. اسلام در مورد معاشرت و چگونگی داشتن روابط با دیگران قواعد خاص خود را دارد، تأکید برداشتن روابط خوب با دیگران در قرآن کریم، سنت نبوی و اقوال و نظریات دانشمندان مسلمان به طور گسترده بازتاب یافته است. در قرآن کریم الله ﷻ خطاب به پیامبر ﷺ می فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [القلم: ۴] ترجمه: تو دارای خوی سترگ (صفات پسندیده و افعال حمیده) هستی. در احادیث نبوی نیز بهترین مسلمان کسی معرفی شده است که دارای معاشرت بهتر با دیگران است. پیامبر ﷺ می فرماید: «إِنَّ مِنْ خَيْرِكُمْ أَحْسَنَكُمْ أَخْلَاقًا» (بخاری، ۱۴۲۲: ج ۴، ص ۱۸۹) ترجمه: به درستی بهترین شما کسی است که دارای اخلاق بهتر باشد. از نظر احادیث نبوی سنگین ترین چیزی که در ترازوی اعمال نیک شخص مسلمان در روز قیامت گذاشته می شود معاشرت نیکو می باشد. رعایت کردن آداب معاشرت چه در زندگی خانوادگی یا اجتماعی سبب ایجاد محبت و همدلی در بین افراد جامعه می گردد. از دید متون اسلامی هر کس دارای ارزش شخصیتی بوده، نباید کسی از طرف کسی دیگر مورد عیب جویی، توهین و تمسخر قرار گیرد. تحقیر کردن دیگران به هر عنوانی که صورت گیرد موجب ایجاد نفرت و کدورت در بین افراد جامعه می گردد. با وجود اهمیت آداب معاشرت در اسلام و کمبود تحقیقات مستقل پیرامون این موضوع، به ویژه آیه یازدهم سوره الحجرات، این تحقیق به بررسی آداب معاشرت در پرتو این آیه می پردازد؛ هدف این تحقیق، پاسخ به این پرسش است که آیه یازدهم سوره الحجرات چه پیام های اخلاقی در زمینه آداب معاشرت ارائه می دهد؟ از اینکه یکی از مباحث مهم در قرآن موضوع آداب معاشرت بوده اکثر آیات این کتاب حاوی پیام های معاشرتی و اخلاقی است؛ لذا نیاز است که با محوریت آیات قرآن کریم در بعد اخلاق تحقیقات بیشتر صورت گیرد.

پیشینه تحقیق

یکی از تحقیقات انجام شده در این زمینه، مطالعه ای با عنوان «تجلی اخلاق اسلامی در سوره الحجرات» به قلم محمد عبداللطیف انصاری است که به بررسی آموزه های اخلاقی این سوره

اختصاص داده شده است. نویسنده این اثر به بیان رعایت آداب در برابر الله ﷻ و رسول ﷺ، وحدت و اخوت اسلامی، پرهیز از شایعه پراگنی، بدگمانی و تجسس، پرداخته است؛ همچنان تفاسیر اهل سنت؛ مانند: تفسیر مفاتیح الغیب، قرطبی، طبری و ابن کثیر در تفسیر آیات یازده و دوازده این سوره توضیحات زیادی پیرامون موضوع آداب معاشرت؛ چون: تعریف و پیامدهای تمسخر، عیب جویی، تجسس، بدگمانی و غیبت ارایه کردند. در این مورد مقاله‌ای تحت عنوان "گفتمان تعاملات اخلاقی- اجتماعی در سوره حجرات" توسط احسان حیدریان تحریر شده است؛ در این مقاله از راه‌های تقویت تعامل اخلاقی؛ چون: رعایت ادب و احترام متقابل و نیز از راه‌های ضعف تعامل اخلاقی؛ چون استهزا، سوءظن و نزاع بحث شده است. تحقیقی دیگری نیز تحت عنوان «نکات اخلاقی سوره حجرات» توسط زهره ربانی انجام شده است. در این تحقیق نویسنده به بیان رهنمودی‌های اخلاقی، اعم از سلبی (نهی) و ایجابی (آمرانه) پرداخته است. نسبت اینکه تحقیقات انجام شده در این زمینه یا به صورت پراکنده و به زبان عربی ارایه شده‌اند، یا اینکه در محور تمام سوره مذکور انجام شده‌اند، درحالی که نظر به جامعیت محتوی، هر آیه این سوره ایجاب تحقیق مستقل را می‌نماید؛ لذا این تحقیق به طور مستقل پیرامون آیه یازدهم این سوره انجام شده است.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی بوده و از نظر ماهیت، توصیفی می‌باشد. شیوه گردآوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌ای است. در تهیه این تحقیق، از منابع معتبر اسلامی شامل تفاسیر قرآن کریم، احادیث نبوی، کتاب‌های اخلاق اسلامی، آثار علمی مرتبط و مقالات تحقیقی استفاده شده است. روش تحلیل داده‌ها بر پایه تحلیل محتوای کیفی انجام شده است؛ به گونه‌ای که مفاهیم و پیام‌های اخلاقی مرتبط با آداب معاشرت از آیه یازدهم سوره الحجرات استخراج، طبقه‌بندی و تبیین گردیده‌اند. دامنه این تحقیق به بررسی همین آیه محدود بوده و معیار انتخاب منابع، اعتبار علمی، ارتباط مستقیم با موضوع تحقیق و تفسیر اخلاقی آیه موردنظر بوده است.

آیه یازدهم سوره الحجرات بیانگر یک سلسله آداب در زندگی انسان‌ها است. رعایت این آداب سبب تقویه روابط ذات‌البینی مسلمانان گردیده از نفرت، کینه و عداوت در بین مسلمانان

جلوگیری می‌کنند. الله ﷻ در آیه یازدهم این سوره چنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [الحجرات: ۱۱]. ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگری را استهزاء کنند، شاید آنان بهتر از اینان باشند و نباید زنانی زنان دیگری را استهزاء کنند؛ زیرا چه‌بسا آنان از اینان خوب‌تر باشند و همدیگر را طعنه زنید و مورد عیب‌جویی قرار ندهید و یکدیگر را با القاب زشت و ناپسند بخوانید. (برای مسلمان) چه بد است، بعد از ایمان آوردن، سخنان ناگوار و گناه‌آلود (دال بر تمسخر و طعنه زدن و عیب‌جویی کردن و به القاب بد خواندن) گفتن و بر زبان راندن! کسانی که (از چنین اعمالی و اقوالی) دست برندارند و توبه نکنند، ایشان ستمگرند (و با سخنان نیشدار و با خرده‌گیری‌ها و ملقب گرداندن مردم به القاب زشت و توهین‌آمیز، به دیگران ظلم می‌کنند).

در این آیه از انجام دادن سه چیز ممانعت به‌عمل آمده است: اول مسخره و استهزای مسلمان، دوم طعنه زدن اشخاص، سوم یاد کردن کسی به لقبی که متضمن توهینی باشد و یا از آن خوشش نیاید. شکی نیست که انجام دادن این سه رذیله اخلاقی سبب ایجاد نفرت، تفرقه و عداوت در بین مسلمانان می‌گردد.

سبب نزول آیه

خازن رحمه‌الله در تفسیر خود، این آیه مبارکه را به سه بخش تقسیم کرده که هر قسمت این آیه به محتوی خاصی دلالت می‌کند. خازن رحمه‌الله برای هر بخش سبب نزول خاص نیز ذکر کرده است. قسمت اول: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾ در این بخش آیه الله ﷻ مسلمانان را از تمسخر و بازی کردن با آب روی یکدیگر نهی کرده است. خازن رحمه‌الله در رابطه به سبب نزول این قسمت آیت چنین حکایت کرده است: «فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: نَزَلَتْ فِي ثَابِتِ بْنِ قَيْسٍ بْنِ شِمَاسٍ كَانَ فِي أَذُنِهِ وَرٌّ، فَإِذَا سَبَّوهُ إِلَىٰ مَجْلِسِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْسَعُوا لَهُ إِذَا أَتَىٰ حَتَّىٰ يَجْلِسَ إِلَىٰ جَنْبِهِ لِيَسْمَعَ مَا يَقُولُ، فَأَقْبَلَ ذَاتَ يَوْمٍ وَقَدْ فَاتَتْهُ مِنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ رَكْعَةٌ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَمَّا انْصَرَفَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخَذَ

أَصْحَابُهُ مَجَالِسَهُمْ مِنْهُ، فَرَبَضَ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ بِمَجْلِسِهِ، وَعَصُوفِيهِ فَلَا يَكَادُ يُوسِعُ أَحَدٌ لِأَحَدٍ حَتَّى يَظُلَّ الرَّجُلُ لَا يَجِدُ مَجْلِسًا فَيَظُلُّ قَائِمًا، فَلَمَّا انْصَرَفَ ثَابِتٌ مِنَ الصَّلَاةِ تَخَطَّى رِقَابَ النَّاسِ وَيَقُولُ: تَفَسَّحُوا تَفَسَّحُوا، فَفَسَّحُوا لَهُ حَتَّى انْتَهَى إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: تَفَسَّحْ. فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: قَدْ وَجَدْتُ مَجْلِسًا فَاجْلِسْ! فَجَلَسَ ثَابِتٌ مِنْ خَلْفِهِ مُغَضَّبًا، ثُمَّ قَالَ: مَنْ هَذَا؟ قَالُوا فَلَانٌ، فَقَالَ ثَابِتٌ: ابْنُ فُلَانَةٍ! يُعِيرُهُ بِهَا، يَعْنِي أُمًّا لَهُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، فَاسْتَحْيَا الرَّجُلُ، فَتَزَلَّتْ (خازن، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۱). ترجمه: ابن عباس گفت: این آیه درباره‌ی ثابت بن قیس بن شماس نازل شد که در گوشش وقر (سنگینی) بود. وقتی او پیش از ورود به مجلس پیامبر ﷺ می‌رسید، دیگران برای او جا باز می‌کردند تا بتواند بنشیند و سخنان پیامبر ﷺ را بشنود. روزی ثابت بعد از نماز صبح آمد درحالی‌که یک رکعت نماز را با پیامبر ﷺ از دست داده بود. وقتی پیامبر ﷺ نماز را تمام کرد و به جلسه خود برگشت، اصحاب هر یک به‌جای خود خزیدند و محل نشست خود را اشغال کرده، هرکس جای خود را طوری محکم گرفتند که کسی برای کسی جای باز نمی‌کرد؛ و اگر کسی می‌آمد جای برای نشستن پیدا نمی‌کرد و سر پا استاده می‌شد. ثابت که از نماز برگشت، از بالای جمعیت عبور کرد و گفت: «جای بدهید، جای بدهید! تا اینکه به پیامبر ﷺ رسید، اما بین او و پیامبر ﷺ کسی نشسته بود و گفت: «جای بده! مردی گفت: تو جای خود را پیدا کرده‌ای، پس بنشین!» ثابت عصبانی و ناراحت در پشت نشست و پرسید: این کیست؟ گفتند: فلانی است. ثابت گفت: «فرزند فلانی زن!» و او را با یادآوری مادرش در دوران جاهلیت تحقیر و سرزنش کرد، مرد از گفتار ثابت خجالت کشید و در همین حال اول قسمت آیه نازل شد.

قسمت دوم آیه: «وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءِ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ» خازن رحمه‌الله در رابطه به سبب نزول این آیه چنین فرموده است: «عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: بَلَغَ صَفِيَّةُ أَنَّ حَفْصَةَ قَالَتْ: بِنْتُ يَهُودِيٍّ، فَبَكَتْ، فَدَخَلَ عَلَيْهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهِيَ تَبْكِي، فَقَالَ: مَا يُبْكِيكِ؟ قَالَتْ: قَالَتْ لِي حَفْصَةُ: إِنِّي بِنْتُ يَهُودِيٍّ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّكَ لَابْنَةُ نَبِيٍّ، وَإِنَّ عَمَّكَ لَنَبِيٍّ، وَإِنَّكَ لَتَحْتَ نَبِيٍّ، فِيمَ تَفْتَخِرُ عَلَيْكَ؟ ثُمَّ قَالَ: «اتَّقِي اللَّهَ يَا حَفْصَةُ» (همان، ص ۱۸۱) ترجمه: وقتی صفیه شنید که حفصه وی را دختر یهودی گفته است گریه کرد. پیامبر ﷺ وقتی دید او گریه می‌کند، پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ صفیه گفت: حفصه به من گفت: تو دختر یهودی هستی. پیامبر ﷺ فرمود: تو دختر پیامبری هستی، عمویت پیامبر بوده است و تو تحت نکاح پیامبری قرار داری؛ پس چرا بر تو او مباحات می‌کند؟ سپس به حفصه گفت: از خدا بترس ای حفصه!

قسمت سوم آیه: «وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» ترجمه: از یکدیگر عیبجویی نکنید و یکدیگر را با القاب ناپسند خطاب نکنید. چه زشت است این نام‌ها بعد از ایمان! و کسانی که توبه نکنند، همان‌ها ظالم‌اند.

خازن رحمه‌الله در سبب نزول قسمت سوم آیه گفته است: «عَنْ أَبِي جَبْرِ بْنِ الصَّحَّاحِ - وَهُوَ أَخُو ثَابِتِ بْنِ الصَّحَّاحِ الْأَنْصَارِيِّ - قَالَ: فِينَا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي بَنِي سَلَمَةَ: قَدِمَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَيْسَ مِنَّا رَجُلٌ إِلَّا وَلَهُ اسْمَانِ أَوْ ثَلَاثَةٌ، فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: يَا فَلَانُ، فَيَقُولُونَ: مَهْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهُ يَغْضَبُ مِنْ هَذَا الْأِسْمِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ الْآيَةَ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ» (همان، ص ۱۸۱). ترجمه: از ابی جبیره بن ضحاک، برادر ثابت بن ضحاک انصاری روایت شده است که گفت: این آیه درباره‌ی بنی سلمه نازل شد: پیامبر خدا ﷺ نزد ما آمد و هیچ مردی از ما نبود جز اینکه دو یا سه اسم داشت. پیامبر ﷺ می‌خواست او را با یکی از این اسامی خطاب کند، ولی مردم می‌گفتند: ای رسول خدا! او از این اسم ناراحت می‌شود. پس خداوند ﷻ این بخش آیه را نازل فرمود.

محتوی این آیه

در این آیه الله ﷻ مسلمانان را از سه رذیله اخلاقی نهی کرده است. تمسخر کردن دیگران؛ عیبجویی کردن از دیگران؛ دیگران را به لقب‌های بد یاد کردن؛ در ذیل هر کدام از این رذایل اخلاقی به‌طور کوتاه به بحث گرفته می‌شود. در این آیه الله ﷻ مسلمانان را از سه رذیله اخلاقی نهی کرده است. تمسخر کردن دیگران؛ عیبجویی کردن از دیگران؛ دیگران را به لقب‌های بد یاد کردن؛ در ذیل هر کدام از این رذایل اخلاقی به‌طور کوتاه به بحث گرفته می‌شود.

الف: تمسخر

در ذیل به تعریف تمسخر، تمسخر از دیدگاه آیات و احادیث و بیان حکم تمسخر پرداخته می‌شود.

تعریف تمسخر

تمسخر در لغت مصدر است به معنی؛ مسخره کردن و ریشخند زدن است (عمید، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۴۹). علامه ابن کثیر در تعریف تمسخر می‌فرماید: «الله متعال از تمسخر کردن مردم نهی

کرده است، تمسخر عبارت است از تحقیر و نیشخند کردن مردم؛ چنانچه در حدیث صحیح از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمودند: تکبر عبارت از رد کردن حق و نادیده گرفتن مردم است. منظور از غَمَطُ النَّاسِ؛ حقیر شمردن مردم و خورد کردن آن‌ها است (دمشقی، ۱۴۲، ج ۷، ص ۳۷۶).

امام فخر رازی می‌گوید: «آیه فوق به سه چیز اشاره دارد؛ تمسخر، لمز و نیز» در ارتباط به تمسخر می‌فرماید: «سُخْرِيه آن است که انسان به برادر خود با نگاه احترام و بزرگداشت ننگرد، به او توجهی نکند و او را از جایگاهش پایین بیاورد؛ و در این حالت حتی عیب‌های او را هم بر زبان نمی‌آورد و این همان است که برخی گفته‌اند: می‌بینی وقتی دشمنشان نزد آنان یاد می‌شود، می‌گویند: او در حدی نیست که نامش برده شود و کوچک‌تر از آن است که به او توجه شود. پس الله ﷻ فرمود: برادران تان را خوار نشمارید و آنان را کوچک مپندارید» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۱۰۸).

تمسخر به معنی واقعی تحقیر دیگران است. از نظر دین مقدس اسلام هرکس دارای شخصیت و ارزش انسانی است؛ لذا نباید باشخصیت و حیثیت دیگران بازی کرده موجب هتک حرمت شان گردیم.

تمسخر از نظر قرآن کریم و سنت نبوی

امام نسفی رحمه‌الله در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: «ممکن است کسی که مورد مسخره قرار می‌گیرد نزد خداوند ﷻ از کسی که مسخره می‌کند بهتر باشد؛ زیرا مردم تنها به‌ظاهر امور دسترسی دارند و از اسرار درونی کسی آگاهی ندارند. آنچه نزد خدا وزن دارد، صفای دل و خلوص نیت‌هاست؛ بنابراین کسی نباید جرئت کند کسی را که چشمش او را در حال تنگدستی، بیماری جسمانی یا ناتوانی در سخن گفتن می‌بیند، مسخره کند. ممکن است همان کسی که به‌ظاهر ضعف دارد، با اخلاق تر و باتقواتر از کسی باشد که برخلاف او به نظر می‌رسد. پس با تحقیر کسی که خداوند ﷻ او را محترم داشته، انسان با نفس خود ظلم می‌کند» (نسفی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۳۵۴).

امام مسلم در کتاب صحیح مسلم از ابوهریره رضی‌الله‌عنه چنین روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يَحْسَبُ امْرَأٌ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ». (نیشابوری،

بی‌تا، ج ۴، ص ۱۹۸۶). ترجمه: از ابوهریره شده است که رسول خدا ﷺ فرمودند: برای بدی انسان همین بس است که برادر مسلمان خود را خوار و کوچک بشمارد.

حدیثی دیگری در کتاب صحیح مسلم با این عبارت روایت شده است: «وَعَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ! فَقَالَ رَجُلٌ: إِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ثَوْبُهُ حَسَنًا، وَنَعْلُهُ حَسَنَةً، فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، الْكِبَرُ بَطَرُ الْحَقِّ، وَغَمَطُ النَّاسِ» (نیشابوری، بی‌تا: ج ۱، ص ۹۳). ترجمه: ابن مسعود رضی‌الله‌عنه از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده است که فرمودند: کسی که در دلش به اندازه‌ی ذره‌ای تکبر باشد، وارد بهشت نخواهد شد مردی گفت: ای رسول خدا! انسان دوست دارد لباسش زیبا باشد و کفشش نیکو باشد. فرمودند: همانا خداوند ﷻ زیباست و زیبایی را دوست دارد؛ تکبر عبارت است از رد کردن حق و خوار شمردن مردم.

حدیثی دیگر در صحیح مسلم چنین صراحت دارد: «وَعَنِ جُنْدُبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «قَالَ رَجُلٌ: وَاللَّهِ لَا يَغْفِرُ اللَّهُ لِفُلَانٍ، فَقَالَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ: مَنْ ذَا الَّذِي يَتَأَلَّى عَلَيَّ أَنْ لَا أَغْفِرَ لِفُلَانٍ! فَإِنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ، وَأَحْبَبْتُ عَمَلَكَ» (نیشابوری، بی‌تا: ج ۴ ص ۲۰۲۳). ترجمه: از جُنْدُب بن عبدالله رضی‌الله‌عنه روایت شده است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: مردی گفت: به خدا سوگند، خداوند فلانی را نخواهد آمرزید. پس خداوند متعال فرمود: چه کسی است که بر من جرأت می‌کند و به نام من سوگند می‌خورد که من فلانی را نخواهم آمرزید؟ همانا من او را آمرزیدم و عمل تو را نابود ساختم.

منشأ تمسخر تکبر است، کسانی به این عمل اقدام می‌کنند که خود را بزرگ‌تر از دیگران می‌پندارند. تکبر و تمسخر از جمله رذایل اخلاقی هستند که، سبب به وجود آمدن نفرت و انزجار در بین مسلمانان می‌گردند.

حکم تمسخر

تمسخر کردن یک مسلمان برای مسلمانان دیگر حرام است. ابن کثیر رحمه‌الله می‌فرماید: «این (استهزاء) حرام است؛ زیرا بسا اوقات کسی که مورد توهین قرار گرفته قدر و منزلت بزرگ‌تری نزد الله متعال داشته و از توهین‌کننده در نزد خداوند ﷻ محبوب‌تر است» (دمشقی، ۱۴۲۰: ج ۷، ص ۳۷۶). زحیلی راجع به حکم تمسخر می‌فرماید: «ینهی الله تعالی عن السخرية و ا

حتقار الناس، والنهی یفید التحريم، فیا ایها المصدقون بالله ورسوله، لا یهزأ رجال من آخرین، فربما كان المهزوء به عندالله خيرا من المستهزئ أو الساخر، ولا تهزأ نساء من نساء أخريات، فلربما كانت المهزوء بها أفضل وأكرم عند الله من المستهزئة، ولا یطعن ولا یعب بعضکم بعضا بقول أو فعل أو إشارة، ولا تتداعوا بالألقاب التي یسوء الشخص سماعها» (زحیلی، ۱۴۲۲: ج ۳، ص ۲۴۷۷) ترجمه: الله متعال از تمسخر و تحقیر کردن مردم نهی کرده است. نهی در اینجا افاده تحريم را می‌کند؛ پس ای کسانی که به الله ﷻ و پیامبر ﷺ باور دارید! مردانی نباید دیگران را استهزاء کند؛ زیرا ممکن است که تمسخر شونده از تمسخر کننده در نزد الله ﷻ بهتر باشد. نباید زنانی زنان دیگر را تمسخر کنند؛ زیرا ممکن است زنان مسخره شوند نزد الله ﷻ از زنان مسخره کننده بهتر و بزرگ‌تر باشند، هیچ‌کسی دیگری را طعن نزده با سخن، کردار و اشاره خود مورد عیب‌جوی قرار ندهد. همچنان یکدیگر را نامه‌ای نخوانید که شخص خوانده‌شده از شنیدن آن‌ها غمگین شود.

دین مقدس اسلام هر خصلتی را که منجر به عداوت و چند پارچگی مسلمان گردد، ممنوع قلمداد کرده است. پدیده تمسخر از آنجایی که سبب تنفر در بین مسلمانان می‌شود از همین جهت در دین مقدس اسلام حرام و ممنوع است.

ب: لمز

در ذیل به تعریف لمز، لمز از دیدگاه آیات و احادیث و بررسی حکم لمز پرداخته می‌شود.

تعریف لمز

اصفهانی در معنی لغوی لمز فرموده است: «الْلَمَزُ: الاغتیاب وتتبع المعاب»؛ لمز عبارت است از: غیبت و جستجو کردن عیب‌های دیگران؛ چنانچه گفته می‌شود: لَمَزَهُ يَلْمِزُهُ وَيَلْمِزُهُ. الله ﷻ می‌فرماید: ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ﴾ [التوبة: ۵۸] ترجمه: در میان آنان کسانی هستند که در تقسیم زکات از تو عیب‌جویی می‌کنند و ایراد می‌گیرند (و نسبت بی‌عدالتی را به تو می‌دهند).

ابن عاشور در تعریف لمز گفته است: «لَمَزٌ یعنی ذکر عیبی که گوینده آن را عیب می‌داند، به‌صورت رو در رو و مستقیم نسبت به کسی؛ و این همان مواجهه‌ی آشکار با سخن ناخوشایند است. اگر این سخن حق باشد، بازهم بی‌ادبی و تعدی است؛ و اگر باطل باشد، بی‌ادبی و دروغ

خواهد بود» (تونس، ۱۹۸۴، ج ۲۶ ص ۲۴۸). لمز به معنی جستجوی عیوب دیگران است. هیچ انسان در دنیا به جز پیامبران علیهم السلام بدون عیب نبوده است؛ بنا براین ما در عوض جستجوی عیوب دیگران به فکر اصلاح خود باشیم.

لمز از منظر قرآن و حدیث

خازن در تفسیر آیه ولا تلمزوا أنفسکم فرموده است: «منظور از «ولا تلمزوا أنفسکم» این است عیوب یکدیگر را بر رخ شان نکشید، عده از شما برخی دیگر را طعن زنند. هدف از ذکر انفس در آیه برادران است، مقصد این است برادران مسلمان خود را عیبجویی نکنید؛ زیرا آنان مثل خودتان است، وقتی که شخصی شخص دیگر را عیبجویی کند، گویا خود را عیبجویی کرده است. گفته شده است که هیچ کسی از عیب خالی نیست، زمانی که شخصی از کسی به بیان عیوب دیگری می پردازد درواقع جانب مقابل را وادار می کند تا او نیز به عیبجویی از عیب چین اقدام کند؛ پس گویا این شخص به اظهار عیوب خود پرداخته است. مقصد از «ولا تنابزوا بالألقاب» این است که کسی نخوانید مگر بانام که به آن نامگذاری شده است» (خازن، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۱). الله ﷻ در آیه دیگر می فرماید: ﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾ [الهمزة: ۱] ترجمه: ویل، هلاکت، بدبختی و نابودی و عذاب بادا! برای بسیار عیبجو و بسیار طعنه زن. مظهري در تفسیر این آیه می فرماید: «قال ابن عباس هم المشاءون بالنميمة المفرقون بين الاحبة الباغون للبراء العيب ومعناها واحد وهو عياب وقال مقاتل الهمزة الذي يعيبك في الوجه واللمزة الذي يعيبك في الغيبة» (مظهري، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۳۳۸). ترجمه: ابن عباس گفته است: منظور همزه و لمزه کسانی است که سخن چینی می کنند، در بین دوستان جدایی افکننده، برای انسان های سالم خرده می گیرند. گفته شده معنای هردو واژه یکی است و آن بسیار عیبجو است. مقاتل گفته است: همزه کسی است که روی بروی شخص عیبجویی می کند و لمزه کسی است که پشت سر به عیبجویی و ایرادگیری دیگران می پردازد.

در حدیث از پیامبر ﷺ چنین روایت شده است: «عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَنَمٍ، يَبْلُغُ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " خِيَارُ عِبَادِ اللَّهِ الَّذِينَ إِذَا رُؤُوا، ذُكِرَ اللَّهُ، وَشِرَارُ عِبَادِ اللَّهِ الْمَشَاءُونَ بِالنَّمِيمَةِ، الْمُفْرَقُونَ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ، الْبَاغُونَ الْبُرَاءَ الْعَنَتَ » (شيباني، ۱۴۲۱، ج ۲۹، ص ۵۲۱). ترجمه: بهترین بندگان خدا کسانی هستند که وقت دیده شوند، خدا به یاد آورده شود. بدترین بندگان خدا

کسانی هستند که سخن‌چینی می‌کنند، در بین دوستان جدایی افکنده انسان‌های بی‌گناه را به‌سختی و هلاکت می‌اندازند.

خازن در تفسیر تنابز می‌فرماید: «ابن عباس گفت: تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ یعنی اینکه انسان کسی را به گناهان گذشته‌اش که توبه کرده است، سرزنش کند؛ یعنی نهی شده است که کسی را به کارهای گذشته‌اش مورد عیب‌جویی قرار دهد و گفته شده است: تنابز یعنی اینکه انسان به دیگری بگوید: ای فاسق! یا ای منافق! یا ای کافر! گفته شده است: مردی که یهودی یا نصرانی بوده و سپس اسلام آورده است، به او گفته می‌شد: ای یهودی! یا ای نصرانی! و از این کار نهی شده‌اند. و گفته شده است: یعنی به برادرت بگویی: ای سگ! یا ای خرا! یا ای خوک! و برخی از علما گفته‌اند: مقصود از این القاب، همان القابی است که مورد تنفر شخص است یا او را تحقیر و سرزنش می‌کند» (خازن، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۸۱).

با توجه به نصوص دین مقدس اسلام برای یک مسلمان مناسب نیست که از کسی رو در رو یا در غیاب عیب‌جویی کند؛ چون این خصلت سبب تحقیر و خورد شدن طرف مقابل می‌گردد.

حکم لمز

عینی رحمه‌الله در عمده القاری شرح صحیح البخاری در ادامه بیان سبب نزول این آیه از لمز نهی کرده می‌فرماید: (وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ) لِلْمِزِ الطُّعْنُ وَالضَّرْبُ بِاللِّسَانِ وَمَعْنَاهُ: لَا تَفْعَلُوا مَا تَلْمِزُونَ بِهِ لِأَنَّ مِنْ فِعْلِ مَا اسْتَحَقَّ بِهِ اللَّمَزُ فَقَدْ لَمَزَ نَفْسَهُ حَقِيقَةً (عینی، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۱۲۲). ترجمه: ﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ﴾ لمز عبارت از عیب‌جویی و طعن زدن با زبان است؛ معنای آیه این است که چیزی را انجام ندهید که به‌وسیله آن دیگران را عیب‌جویی کنید؛ زیرا وقتی کسی چیزی را انجام دهد که به آن مستحق عیب‌جویی گردد درواقع خود را عیب‌جویی کرده است.

از آنجایی که لمز و عیب‌جویی کردن از مسلمان بازی با آبروی وی می‌باشد، بناءً ریختاندن آبروی مسلمان برای مسلمان دیگر حرام است؛ در حدیث شریف چنین روایت شده است: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ مَالُهُ، وَعِرْضُهُ، وَدَمُهُ حَسَبُ امْرِئٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ» (سجستانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۷۰). ترجمه: از ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که او فرمود: رسول الله ﷺ گفت: همه‌چیزی یک مسلمان برای مسلمان دیگر حرام است؛ گرفتن مال، ریختن خون و ریختاندن آبروی او، برای شخص مسلمان

همین قدر شر کافی است که برادر مسلمان خود را تحقیر کند.

هتک حرمت، ریختن آبروی مسلمان به هیچ وجه جایز نیست؛ از همین جهت دین مقدس لمز را که درواقع سبب تحقیر یک مسلمان می گردد ممنوع قرار داده است.

ج: نبز

در ذیل به تعریف نبز، نبز از دید آیات و احادیث و بیان حکم نبز پرداخته می شود.

تعریف نبز یا تنابز

محمد طاهر بن عاشور چنین فرموده است: «تَنَابُزٌ یعنی اینکه مردم یکدیگر را به لقبها بخوانند و تَبْزُ (با سکون با) به معنای به کار بردن تَبْزُ (با فتح با) است و آن همان لقب زشت و ناپسند می باشد؛ مانند اینکه به کسی بگویند: بینی شتر، قُرْقور» یا بَطَّه و بیشتر لقبهایی که در دوران جاهلیت رایج بود، از همین نوع نبز (لقبهای تحقیرآمیز) به شمار می آمد» (تونس، ۱۹۸۴، ج ۲۶، ص ۲۴۸).

مراد از القاب که نهی شده معمولاً القاب مکروه و بد می باشد؛ ابن عاشور می فرماید: «مقصود از القاب در آیه، لقبهای ناپسند است؛ به قرینه‌ی جمله‌ی وَلَا تَنَابُزُوا و لقب آن است که بر پستی یا شرافت دلالت کند، چه آن لقب را خود شخص برای خویش پذیرفته باشد و چه آن را عیب جو و لقب دهنده برای او ساخته و به او نسبت داده باشد» (تونس، ۱۹۸۴، ج ۲۶ ص ۲۴۹). از نظریات علماء دانسته می شود که تنابز به معنی خواندن کسی به لقبی که سبب رنجش وی گردد. این واژه معمولاً به لقبهای بد و مکروه اطلاق می گردد.

نبز از منظر قرآن و حدیث

الله ﷻ در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾ [همزه: ۱]. عن قتادة ﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾ اما الهمزة: فأكل لحوم الناس، وأما اللمزة: فالطعان عليهم (طبری، ۱۴۲۰، ج ۲۴ ص ۵۹۷). ترجمه: قتاده در تفسیر ﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾ گفته است: همزه گوشت مردم را می خورد (غیبت می کند) لمزه کسی است به مردم طعن می زند. پیامبر ﷺ در حدیث شریف می فرماید: «لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَّانِ، وَلَا اللَّعَّانِ، وَلَا الْفَاحِشِ، وَلَا الْبُذِيِّ» (ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۳۵۰). ترجمه: مسلمان کامل بسیار عیب جو، نفرین گر و ناسزاگو و بی حیا نیست. مبارک پوری در شرح این حدیث می نویسد: «مؤمن کامل بسیار طعن زننده (در جستجوی عیب دیگران)

نیست، همچنان دیگران را زیاد لعنت نمی‌کند؛ علت اختیار صیغه طعان و لعان که صیغه مبالغه است این است که مؤمن کامل هم از طعن و لعن کردن کم خالی نیست؛ همچنان مسلمان کامل فاحش: انجام دهنده ناسزایی و ناسزاگو نیست و نیز مسلمان کامل بذی: قاری می‌گوید بذی به فتح با و کسر ذال تشدید یا و یا سکون یا و بعد از آن همزه؛ چنانچه در مشکات آمده است به معنی کسی است که حیا نداشته باشد، چنانچه بعضی شارحین گفته‌اند: «مبارک‌پوری، بی‌تا، ج ۶، ص ۹۵». پیامبر ﷺ در حدیث چنین فرمودند: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَيُّمَا رَجُلٍ قَالَ لِأَخِيهِ يَا كَافِرُ، فَقَدْ بَاءَ بِهَا أَحَدُهُمَا» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۲۶). ترجمه: از عبدالله بن عمر رضی الله روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمودند: هر مردی که برای برادر خود یا کافر گوید، کفر به یکی از ایشان بازمی‌گردد؛ اگر مخاطب کافر بود، به مخاطب بر می‌گردد و اگر مخاطب کافر نبود؛ پس به خود گوینده بر می‌گردد. تنابز ازجمله رذایل اخلاقی بوده سبب به وجود آمدن کینه و نفرت در بین مسلمانان می‌گردد. این عمل موجب می‌گردد که مخاطب در بین مردم تحقیر شده درصدد انتقام‌گیری از گوینده برآید.

حکم نبز

زحیلی در تفسیر آیه فوق راجع به حکم سخریه، لمز و نبر می‌گوید: «کسی از صفات سه‌گانه‌ای (تمسخر، لمز و نبز) که خدا ﷻ نهی کرده است توبه نکند، او ازجمله ستمگران در نفس خود و دیگران است؛ زیرا مداومت کردن بر چیزی که نهی شده کفر (کفر نعمت) و ظلم است» زحیلی، ۱۴۲۲، ج ۳ ص ۲۴۷۷. در حدیث شریف چنین آمده است: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «سَبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ» (نیشابوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۱). ترجمه: از عبدالله ابن مسعود روایت شده است که آن حضرت ﷺ فرمودند: دشنام دادن مسلمان فسق است و جنگ کردن با مسلمان کفر است. عینی در شرح این حدیث می‌فرماید: «دشنام دادن مسلمان فسوق: خروج از طاعت الله ﷻ است. جنگ کردن با مسلمان حقیقتاً یا خصومت و نزاع کردن با او کفر است؛ مراد از کفر ناسپاسی حقوق مسلمانان است، یا در صورت حلال دانستن کفری واقعی است». تنابز ازجمله خصلت‌های مذموم اخلاقی می‌باشد. این رذیله از دید دین مقدس اسلام حرام بوده موجب فسق گوینده می‌شود.

مناقشه

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که تمسخر، عیب‌جویی و یاد کردن دیگران با القاب بد، نه تنها از جمله رذایل اخلاقی بوده؛ بلکه سبب فروپاشی نظم اجتماع و وحدت مسلمانان می‌گردد. این یافته‌ها بیانگر آن است که این رفتارها صرفاً رذایل اخلاقی فردی نبوده، بلکه پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای دارند؛ زیرا انجام چنین خصلت‌های سبب ایجاد نفرت، کدورت و چند پارچگی در اجتماع می‌گردد. همچنین نتایج این تحقیق با احادیث نبوی، یافته‌های تحقیقات معاصر در حوزه اخلاق اجتماعی اسلام، دیدگاه مفسران قرآن کریم همچون: ابن عاشور، فخر رازی، ابن جریر طبری، دکتور و هبه الزحیلی، ابن کثیر و امام قرطبی؛ همسویی کامل دارد. در مجموع، نتایج نشان می‌دهد که منع تمسخر، عیب‌جویی و القاب زشت، یک اصل بنیادین برای پیشگیری از انحطاط اخلاقی و اجتماعی در جامعه اسلامی است.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم در کنار مباحث عقیدتی، سیاسی و اقتصادی دارای مباحث مهم اخلاقی بوده، یک بخش بزرگی این کتاب به این موضوع اختصاص یافته است؛ آیه یازدهم سوره حجرات دارای پیام‌های معاشرتی؛ چون: خودداری از تمسخر، عیب‌جویی و یاد کردن دیگران با نام‌های زشت است. الله ﷻ با نزول این آیه مسلمانان از ارتکاب خصلت‌های فوق نهی کرده است. از دید دانشمندان اسلامی نیز این خصلت‌ها ممنوع قلمداد شدند؛ چون سبب وارد کردن صدمه در روابط اجتماعی مسلمانان می‌گردند. دین مقدس اسلام به احترام کردن به دیگران دستور داده است؛ زیرا هرکس دارای کرامت و شخصیت ذاتی است و ما نباید دیگران را هتک حرمت کنیم و از جانب دیگر احترام قایل شدن به دیگران موجب تقویه اتحاد، همدلی در بین مسلمانان می‌گردد. شریعت اسلام خواهان تقویه روابط اجتماعی بین مسلمانان است؛ لذا هر چیزی که سبب ضعیف شدن این روابط شود از دید این دین عمل ناجایز محسوب شده و در نتیجه ممنوع قلمداد شده است.

منابع و مأخذ

قرآن كريم

اصفهانى، حسين بن محمد. (۱۴۱۲هـ ق). مفردات فى غريب القرآن. دمشق: دار الشاميه.
ترمذى، محمد بن عيسى. (۱۳۹۵هـ ق). سنن الترمذى. مصر: مكتبه و مطبعه مصطفى البابى
الحلبى.

تونسى، محمد بن طاهر. (۱۹۸۴م). التحرير و التنوير. تونس: دار التونسيه للنشر.
خازن، علاء الدين على بن محمد. (۱۴۱۵هـ ق). لباب التاويل فى معانى التنزيل. بيروت: دار
الكتب العلميه.

دمشقى، اسماعيل بن عمر. (۱۴۲۰هـ ق). تفسير القرآن العظيم. بى جا: دارطبيه للنشر و
التوزيع.

رازى، محمد بن عمر. (۱۴۲۰هـ ق). مفاتيح الغيب. بيروت: دار احياء التراث العربى.
زحيلى، وهبه بن مصطفى. (۱۴۲۲هـ ق). التفسير الوسيط للزحيلى. دمشق: دار الفكر.
سجستانى، سليمان بن اشعث. (بى تا). سنن ابى داود. بيروت مكتبه العصريه.
شيبانى، احمد بن حنبل. (۱۴۲۱ هـ ق). مسند امام احمد. بى جا: مؤسسه الرساله.
طبرى، محمد بن جرير. (۱۴۲۰هـ ق). جامع البيان فى تاويل القرآن. بى جا: مؤسسه الرساله.
عينى، محمود بن احمد. (بى تا). عمده القارى. بيروت: دار احياء التراث العربى.
قرطبى، محمد بن احمد. (۱۳۸۴ هـ ش). تفسير قرطبى. قاهره: دار الكتب المصريه.
مباركفورى، محمد عبد الرحمن. (ب تا). تحفه الاحوذى. بيروت: دار الكتب العلميه.
مظهرى، محمد ثناء الله. (۱۴۱۲هـ ق). التفسير المظهرى. پاكستان: مكتبه الرشديه.
نسفى، عبد الله بن احمد. (۱۴۱۹هـ ق). تفسير النسفى. بيروت: دار الكلم الطيب.